

**بازخوانی**  
**آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی**  
**و**  
**مسأله حزب**

(با تأکید بر دورهٔ جمهوری اسلامی)

مهدی براتعلی پور

(عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا)

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

معاونت پژوهشی

گروه اجتماعی

سرشناسه: براتعلی پور، مهدی، ۱۳۴۲ -  
 عنوان و نام پدیدآور: بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی و مسأله تحزب (با تأکید بر دوره جمهوری اسلامی)/  
 مهدی براتعلی پور.  
 مشخصات نشر: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۸۹.  
 مشخصات ظاهری: ط، ۴۱۷ ص.  
 شابک: 4 - 114 - 212 - 964 - 978 - ISBN  
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیفا  
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۴۰۱ - ۴۱۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
 موضوع: ۱. شیعه و سیاست، ۲. حزب‌های سیاسی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام، ۳. حزب‌گرایان.  
 شناسه افزوده: الف. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، معاونت پژوهشی، مؤسسه چاپ و نشر عروج.  
 رده‌بندی کنگره: ۲ ب ۴۱۷ ب / ۲۳۱ BP  
 رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۸۳۲  
 شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۸۲۳۳۳

کد / م ۲۵۶۴



مؤسسه چاپ و نشر عروج

## □ بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی و مسأله تحزب

- ◆ نویسنده: مهدی براتعلی پور
- ◆ ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))
- ◆ چاپ اول: ۱۳۸۹
- ◆ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- ◆ قیمت: ۶۸۰۰ تومان

• خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، فروشگاه مرکزی، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵  
 • خیابان انقلاب، تقاطع حافظ، فروشگاه شماره ۱، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷  
 • خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای زاندارمیری، فروشگاه شماره ۲، تلفن: ۶۶۹۵۵۷۳۷  
 • حرم مطهر حضرت امام خمینی (س)، ضلع شمالی، فروشگاه شماره ۳، تلفن: ۵۵۲۰۳۸۰۱  
 • کلیه نمایندگیهای فروش در استانها  
 نشانی الکترونیکی: [pub@imam-khomeini.ir](mailto:pub@imam-khomeini.ir)

## فهرست مطالب

مقدمه ..... ۱

### بخش اول: تعاریف و بررسی مبانی نظری

#### گفتار اول: تحزب در اندیشه سیاسی

۱. تاریخچه شکل‌گیری احزاب سیاسی در دوران مدرن ..... ۳

۱-۱. برداشت نهادی ..... ۴

۱-۲. برداشت تاریخی - نزاعی ..... ۵

۱-۳. برداشت توسعه‌گرا ..... ۶

۲. تعریف حزب در اندیشه سیاسی ..... ۶

۱-۲. تعریف‌های هنجاری ..... ۸

۲-۲. تعریف‌های توصیفی ..... ۸

۳. جایگاه تحزب در درون ساختار نظام مفهومی اندیشه مدرن ..... ۱۲

#### گفتار دوم: اسلام شیعی و آموزه‌های سیاسی آن

۱. تاریخچه شکل‌گیری اسلام شیعی ..... ۱۵

۲. کانون‌های تغذیه آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی ..... ۱۶
۳. مفاهیم اساسی در آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی ..... ۱۶
- ۱-۳. ولایت ..... ۱۶
- ۱-۳-۱. معانی ولایت ..... ۱۶
- ۱-۳-۲. انواع ولایت ..... ۱۷
- ۲-۳. امامت ..... ۱۹
- ۲-۳-۱. معنای امامت ..... ۱۹
- ۲-۳-۲. مقام امامت ..... ۱۹
- ۳-۳. امت ..... ۲۲
- ۴-۳. حزب ..... ۲۴
- ۵-۳. فرقه ..... ۲۷
- ۶-۳. طایفه ..... ۲۷
- ۷-۳. فتنه ..... ۲۷
۴. ارتباط این مفاهیم با مسأله تحزب ..... ۲۸
- گفتار سوم: رهیافت‌های متعارض در انطباق‌پذیری آموزه‌های دینی و تحزب**
۱. امتناع مبانی فقهی و کلامی تحزب ..... ۴۳
۲. فقد أدله دینی: استلزام تمسک به روش منطقه الفراهی ..... ۴۸
۳. تعارضات اساسی میان مفروضات و بنیان‌های نظری اسلام و تحزب ..... ۵۳
۴. تلاش برای برقراری رابطه این همانی میان تحزب و عناصری از فرهنگ ..... ۶۰
۱. اصل عدم تکلیف یا عدم ولایت ..... ۶۱
۲. بهره‌گیری از مفهوم عدل در آزادی فردی یا جامعه آزاد ..... ۶۲
۳. اصل خط‌پذیری و عدم تصویب ..... ۶۲
۴. ضرورت حزب از باب مقدمه واجب ..... ۶۳
۵. بومی‌سازی توأم با نگاهی عمل‌گرایانه ..... ۶۵
- جلوه‌های فرهنگی تمدن جدید ..... ۶۷

۷۰ - جلوه‌های مادی و نهادساز تمدن جدید .....

بخش دوم: بررسی تطبیقی جایگاه تحزب در درون ساختار نظام مفهومی اندیشه مدرن و آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی

گفتار چهارم: پیش شرط انسان‌شناختی تحزب، فرد سیاسی خودسامان و انتخابگر

- ۱. مفهوم فردیت ..... ۹۰
- ۲. مفهوم سیاسی ..... ۱۰۰
- ۳. مفهوم خودسامانی ..... ۱۰۲
- ۴. مفهوم انتخاب‌گری ..... ۱۱۳

گفتار پنجم: پیش شرط جامعه‌شناختی تحزب، جامعه سیاسی مشارکت‌جوی فراگیر

- ۱. سهم بودن در قدرت سیاسی و اعمال حق شهروندی ..... ۱۲۱
- ۲. تنوع و تکثر جامعه ..... ۱۲۷
- ۳. سازمان‌یابی گروه‌های اجتماعی ..... ۱۳۰
- ۴. رقابت سیاسی فراگیر ..... ۱۳۳
- ۵. مشارکت نهادینه؛ راه انحصاری تأمین نظم و امنیت عمومی ..... ۱۳۶
- ۶. آزادی تدارک و تبادل اطلاعات ..... ۱۴۹

گفتار ششم: پیش شرط سیاسی تحزب، نظام سیاسی مردم‌سالار

- ۱. اراده همگانی؛ بنیان مشروعیت سیاسی ..... ۱۵۹
- ۱-۱. دلایل اولویت‌یابی الگوی جمهوری اسلامی ..... ۱۶۳
- ۱-۱-۱. بهره‌مندی از اهداف الهی ..... ۱۶۳
- ۱-۱-۲. امکان‌پذیری زندگی معنوی ..... ۱۶۳
- ۱-۱-۳. عدالت‌خواهی ..... ۱۶۴
- ۱-۱-۴. دموکراتیک‌تر و مترقی‌تر از سایر جمهوری‌ها ..... ۱۶۴
- ۲-۱. ویژگی‌های الگوی جمهوری اسلامی در بررسی تطبیقی با بنیان مشروعیت بخش رژیم مردم‌سالار ..... ۱۶۵

- ۱۶۵..... ۱-۲-۱. نفی سلطنت .....
- ۱۶۹..... ۲-۲-۱. اتکای بر همه‌پرسی و خواست عمومی .....
- ۱۷۵..... ۳-۲-۱. حاکمیت فقیه بر اساس نصب الهی .....
- ۱۸۱..... ۴-۲-۱. اجرای احکام الهی .....
- ۱۸۶..... ۵-۲-۱. نفی استبداد .....
- ۱۹۰..... ۳-۱. دلایل رویگردانی امام از جمهوری دموکراتیک .....
- ۱۹۱..... ۱-۳-۱. ارجحیت نظریه نصب الهی و تعارض آن با جمهوری دموکراتیک .....
- ۱۹۱..... ۲-۳-۱. تجویز و گسترش بی‌بندوباری .....
- ۱۹۲..... ۳-۳-۱. وجود تفاسیر متفاوت در دموکراسی .....
- ۱۹۳..... ۴-۳-۱. امکان انحراف از حرکت مردم در سایر جمهوریها .....
- ۱۹۴..... ۵-۳-۱. بیگانه‌هراسی و احساس خطر از بیگانگان .....
- ۱۹۵..... ۶-۳-۱. نفی اتهام غیردموکراتیک بودن اسلام .....
- ۱۹۵..... ۷-۳-۱. نفی اتهام نقص در اسلام .....
- ۱۹۶..... ۸-۳-۱. پوچ بودن دموکراسی غربی .....
- ۱۹۶..... ۹-۳-۱. فاسد بودن دموکراسی‌های رایج در جهان کنونی .....
- ۱۹۶..... ۱۰-۳-۱. استبدادی بودن دموکراسی غربی .....
- ۱۹۷..... ۴-۱. مرحله‌بندی اندیشه امام از سلطنت تا ولایت فقیه .....
- ۲۰۰..... ۵-۱. بنیانهای نظری مشروعیت جمهوری اسلامی و نظام حزبی .....
- ۲۰۲..... ۲. رقابت سیاسی: سازوکار دستیابی و انتقال قدرت .....
- ۲۰۶..... ۳. همه شمولی کارگزاری سیاسی .....
- ۲۰۷..... ۳-۱. کارویژه‌های اجتماعی و سیاسی روحانیون .....
- ۲۱۴..... ۲-۳. دلایل نفی اشتغال اولیه روحانیون به تصدی مشاغل دولتی و پذیرش بعدی آن .....
- ۲۲۱..... ۳-۳. مخالفت امام با تشکیل حزب توسط روحانیون پیش از انقلاب .....
- ۲۲۲..... ۱-۳-۳. بدبینی تاریخی به حزب به‌دلیل کارکردهای ناسالم حزب در ایران مانند .....
- ۲۲۳..... ۲-۳-۳. دلستگی شدید به وحدت و ماهیت ضد وحدت‌گرای احزاب .....
- ۲۲۴..... ۳-۳-۳. از دست دادن پایگاه وسیع اجتماعی .....
- ۲۲۴..... ۴-۳. موافقت امام با تشکیل حزب توسط روحانیون پس از انقلاب .....
- ۲۲۵..... ۱-۴-۳. پذیرش کارکردهای سالم حزب در جهان کنونی و شرایط ایران .....

۳-۲. تأمین بهتر اهداف عالی‌ای چون نظارت و هدایت قدرت سیاسی در نظام حزبی ..... ۲۲۷

۴. سیاست‌گذاری خردگرایی جمعی ..... ۲۲۷

### بخش سوم: الگوی آرمانی تحزب در آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی

#### گفتار هفتم: الگوی آرمانی تحزب در رویکرد نهادی

۱. عدم تعارض یا همسویی برنامه‌های حزبی با سیاست شرعی و اولویت آن در

تصمیم‌گیری‌های کلان ..... ۲۴۳

۱-۱. تحجرگرایی ..... ۲۴۹

۱-۲. سکولاریسم ..... ۲۵۲

۲. لزوم پاسداری ارزش‌ها و مرجعیت نهایی آموزه‌های دینی و بنیانهای اخلاق عمومی ..... ۲۵۳

۲-۱. کارکرد ارزش‌ها، حفظ و تداوم جامعه ..... ۲۵۵

۲-۲. ضرورت اصلاح و بازسازی نهادینه ارزش‌ها ..... ۲۵۸

۳. نخبه‌گرایی سیاسی ..... ۲۶۲

۴. تحقق بخشیدن به هدف تعالی‌گرایی اخلاقی در کسب قدرت سیاسی ..... ۲۷۰

۵. اتخاذ سیاست‌های رفاهی و فقرزدایی ..... ۲۷۶

۵-۱. تعریف مستضعفین و طبقه پایین ..... ۲۷۶

۵-۲. کارویژه رفع محرومیت برای دولت اسلامی ..... ۲۷۸

۵-۳. بررسی سبب طبقاتی بر مبنای جنگ فقر و غنا ..... ۲۸۳

۶. حفظ استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ..... ۲۸۸

۷. حفظ و ارتقای ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی ..... ۲۹۰

۱. شیوه مسالمت‌جویانه و راهبرد تساملی ..... ۲۹۰

۲. شیوه گفتگویی و راهبرد اراده استدلال ..... ۲۹۲

۳. شیوه مقابله نظامی و راهبرد سرکوب قهرآمیز ..... ۲۹۵

۴. شیوه توبه خواهانه و راهبرد عفو عمومی ..... ۲۹۷

۸. حفظ مصالح عالی‌ه نظام ..... ۳۰۷

۹. عدالت‌خواهی و حق‌مداری ..... ۳۰۹
۱۰. ایجاد و ارتقای اتحاد و همبستگی اجتماعی ..... ۳۱۴
- ۱-۱۰. تشویق به اتحاد و همبستگی و نکوهش نشئت و تفرق ..... ۳۱۴
- ۲-۱۰. شکل‌های اتحاد و همبستگی ..... ۳۱۶
- ۱-۱-۱۰. اتحاد و همبستگی اسلامی ..... ۳۱۶
- ۲-۱-۱۰. اتحاد و همبستگی ملی ..... ۳۲۰

### گفتار هشتم: الگوی آرمانی نحرز در رویکرد کارکردی

۱. افزایش آگاهی‌ها و آموزش سیاسی مردم ..... ۳۲۶
۲. کادرسازی و پرورش نیروهای سیاسی ..... ۳۲۷
۳. شکل دادن به افکار عمومی و تجمع و انعکاس مطالبات مردم به نظام ..... ۳۲۹
۴. معرفی نامزدهای صالح و فراهم سازی بستر مناسب برای رقابت سالم بین نیروها ..... ۳۳۰
۵. ارائه سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی ..... ۳۳۷
۶. تحدید قدرت سیاسی و پیشگیری از فساد یا نظارت بر قدرت سیاسی و کنترل آن ..... ۳۳۹
۱. خطاپذیری سیاست‌مداران و سیاست‌ها ..... ۳۳۹
۲. سازوکارهای مهار قدرت و جلوگیری از خطاهای مدیریتی ..... ۳۴۲
- ۱-۲. درونی: عدالت ..... ۳۴۳
- ۲-۲. بیرونی ..... ۳۴۷
- ۱-۲-۲. شور و مشورت ..... ۳۴۸
- ۲-۲-۲. نظارت همگانی ..... ۳۵۰
- ۲-۲-۲. ۱۰۶ امر به معروف و نهی از منکر ..... ۳۵۱
- ۲-۲-۲. ۲۲۲ نقد ..... ۳۵۴
- ۲-۲-۲. حق‌شورش ..... ۳۵۹

### گفتار نهم: راهکارهای عملی برای غلبه بر مشکل نشئت و پراکندگی بین نیروهای ...

۱. راهکارهای محتوایی ..... ۳۶۴
- ۱-۱. راهکارهای محتوایی ایجابی ..... ۳۶۴
- ۱-۱-۱. توافق بر مبنای اتحاد فرهنگی ..... ۳۶۴
- ۲-۱-۱. توافق بر مبنای اتحاد سیاسی ..... ۳۶۹



۳۸۰	.....	۲-۱. راهکار محتوایی سلبی
۳۸۰	.....	۱-۲-۱. توافق بر مبنای دشمن مشترک
۳۸۲	.....	۲. راهکارهای شکلی
۳۸۲	.....	۱-۲. رهبری فراگیر
		۲-۲. بهره‌گیری از همه‌ی نیروهای سیاسی وفادار به نظام و فراهم‌سازی امکان سهیم شدن آنان در قدرت
۳۸۵	.....	
۳۸۷	.....	۳-۲. اتخاذ شیوه‌ی جدال احسن در فرایند تصمیم‌گیری‌های عمومی
۳۹۱	.....	۴-۲. پذیرش و التزام عملی به تصمیمات مشترک
۳۹۲	.....	۵-۲. خودانتقادی و خوداصلاح‌گری
۳۹۵	.....	نتیجه‌گیری

#### فهرست منابع

۴۰۱	.....	۱. فارسی
۴۱۰	.....	۲. عربی
۴۱۳	.....	۳. انگلیسی
۴۱۳	.....	۴. منابع برای مطالعه

## مقدمه

آیا احزاب سیاسی حلقهٔ رابط میان مردم و حکومت هستند و یا ابزار دموکراسی‌ها و حکومت‌های مردم‌سالار برای پیشبرد اهداف خود در میان توده‌های مردم؟ اگر ما این امر را مسلم بگیریم که احزاب از جمله نهادهای سیاسی غیر حکومتی هستند که بر ساختار قدرت سیاسی تأثیر می‌گذارند، بحث ما به بررسی روابط درون جامعه اختصاص پیدا کرده و رویکرد ما جامعه‌شناسی سیاسی خواهد بود. اما اگر سخن بر سر روابط قدرت و نظام سیاسی باشد، این امر ضرورتاً به علم سیاست بازگشت می‌کند. بدین ترتیب، ما با دو نوع رویکرد نسبتاً متمایز مواجه هستیم: رویکرد نخست به فراگرد درونی تخصیص ارزش‌ها در درون نظام سیاسی، روابط قدرت و ساختار حاکم بر جامعه و تعیین‌کنندگی نظام سیاسی بر نظام اجتماعی می‌پردازد. و رویکرد دوم، به تعامل نظام اجتماعی و نظام سیاسی و تا حدی غلبه و تعیین‌کنندگی نظام سیاسی بر نظام اجتماعی مربوط می‌شود. نوع نگرش ما به پرسش فوق (تعامل نظام سیاسی با نظام اجتماعی یا بررسی فراگرد درونی تخصیص ارزش‌ها در درون نظام سیاسی) تعیین‌کنندهٔ رویکرد پژوهش حاضر خواهد بود. پذیرش رویکرد نخست، ظاهراً ما را در اینجا با این تناقض مواجه می‌سازد که اتخاذ رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی، اساساً با تحلیل بحث جاری در قالب نظام سیاسی اسلام - که بر تعیین‌کنندگی نظام سیاسی بر نظام اجتماعی استوار است - ناسازگار جلوه می‌کند. به بیان دیگر، مشکل در اینجا است که موضوع

## ب □ بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی و مسأله تحزب

کنونی دارای دو جنبه ناهمگون و به ظاهر متناقض است؛ از یک سو مسأله تحزب غالباً به بحث از روابط درون جامعه مربوط می‌شود. و از سوی دیگر، نظام سیاسی اسلام از روابط قدرت و ساختار حاکم بر جامعه سخن می‌گوید.

در پاسخ باید خاطر نشان ساخت که اگر سخن در باب روابط درون جامعه، به لحاظ هست‌ها و واقعیت‌های موجود بوده و نگاه ما تجربی باشد، مشکل بالا به هیچ وجه قابل حل نیست. اما اگر ما در این پژوهش به دنبال ارائه نظام مطلوب و آرمانی بوده باشیم و از رویکرد فلسفه سیاسی بهره جوئیم، در این صورت می‌توان مشکل را خاتمه یافته تلقی کرد. بدین ترتیب، روشن می‌شود که موضوع کنونی یکی از مسائل فلسفه سیاسی اسلام بوده و صرف‌نظر از اینکه جایگاه احزاب در درون دولت و روابط قدرت قابل تحلیل باشد و یا در درون جامعه، تصویری از الگوی مطلوب را فراروی ما می‌نهد. بر این اساس، مسأله کنونی، یعنی تحزب در فرهنگ سیاسی اسلام شیعی دارای دو جنبه اساسی است. این پژوهش در نخستین گام به دنبال ارائه نظامی مطلوب و آرمانی است. در این فرض، موضوع کنونی یکی از مسائل فلسفه سیاسی اسلام بوده که تصویری از الگوی مطلوب فراروی ما می‌نهد. در این الگو، روابط قدرت و نظام سیاسی شیعی در فضای نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در اینجا، باید روشن گردد که آیا این الگو بنا بر یک فرض، به دلیل ارائه تصویر عمودی از ساختار اجتماعی - سیاسی حاکم بر جامعه و تلاش برای تحقق بخشیدن به آن، با تحزب و رقابت نهادهای مدنی برای کسب قدرت سیاسی مخالفت می‌ورزد، یا در مقابل، بنا بر فرض دیگر، به دلیل ارائه تصویری جامعه‌محور در اداره امور عمومی از تنوع گروه‌های سیاسی مشارکت‌جو استقبال می‌کند. اما در گام دوم، به روابط موجود در درون جامعه، به لحاظ هست‌ها و واقعیت‌های نهادینه شده در فرهنگ سیاسی شیعی به‌ویژه در دوره جمهوری اسلامی توجه خواهد شد. در این رابطه، ضرورت دارد تا جایگاه احزاب در درون دولت و روابط قدرت و همچنین در درون جامعه و نهادهای مدنی مورد تحلیل قرار گیرد. بدین ترتیب، در این پژوهش با بهره‌گیری از سخنان حضرت امیر(ع) و حضرت امام خمینی(س) به تبیین مقایسه‌ای الگوی آرمانی تحزب در دو رویکرد نهادی

## مقدمه □ ج

و عملکردی خواهیم پرداخت و افزون بر آن، نشان خواهیم داد که این الگو تا چه حد در برابر الگوی وحدت و پرهیز از تفرقه‌گرایی توانسته است خود را نمایان سازد. در این فرض، ضرورت دارد تا روشن کنیم همچنان‌که در صدر اسلام حضرت امیر(ع) در صدد بود تا با ظرافتی خاص، مسأله مشروعیت موجودیت گروه‌های آرمانگرا را در برابر آرمان و شعار جماعت و وحدت جامعه مطرح نماید، پرچمدار فرهنگ سیاسی اسلام شیعی در دوره معاصر نیز تلاش کرد تا این دو آرمان را به لحاظ نظری با یکدیگر هم‌نشین و ترکیب نماید؛ به طوری که از یک سو، با تأکید بر مسأله وحدت، بنیان‌های اساسی جامعه شیعی و نظام اسلامی پاس داشته شود، و از دگر سو، با تأکید بر آزادمنشی افراد و گروه‌ها، روح رخوت و سستی از این جامعه و نظام زدوده شود.

حضرت امام با بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی و به‌ویژه با بهره‌گیری از الگوهای حکومتی حضرت امیرالمؤمنین(ع)، روایتی از اسلام شیعی ارائه می‌کند که با مفاهیم دوران مدرن سازگاری پیدا می‌کند. این روایت از اسلام شیعی که در برابر سایر رهیافت‌های متعارض در انطباق‌پذیری مبانی دینی و تحزب، شامل امتناع مبانی فقهی و کلامی تحزب، تعارضات اساسی میان مفروضات و بنیان‌های نظری اسلام و تحزب، و تلاش برای برقراری رابطه این‌همانی میان تحزب و عناصری از فرهنگ سیاسی اسلام قرار می‌گیرد، به‌دنبال آن است تا با بومی‌سازی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی توأم با نگاهی عمل‌گرایانه، از دستاوردهای معنوی و فکری دوران مدرن مانند تحزب در اداره امور کشور بهره‌برد. بدین ترتیب، بحث حاضر صرفاً بر آموزه‌های سیاسی تکیه دارد و از ورود در مباحث مربوط به فرهنگ سیاسی نهادینه شده در جامعه خاص شیعی و از میزان تأثیرپذیری این فرهنگ سیاسی از آن آموزه‌ها پرهیز دارد، زیرا بررسی میزان تأثیرپذیری مبحثی جامعه‌شناختی بوده که مستلزم بهره‌گیری از روش‌های خاص آن و بالطبع مجال و پژوهشی دیگر را می‌طلبد. پس این بحث صرفاً به پیش‌شرط‌های فکری و فرهنگی تحزب به‌لحاظ خود آموزه‌هایی محدود می‌گردد که ظرفیت تأثیرگذاری بر این فرهنگ سیاسی را داراست. اما پرسش از تحقق این تأثیرگذاری، دلایل تأثیرگذاری یا عدم تأثیرگذاری، چگونگی و عناصر دخیل در این تأثیرگذاری و وضعیت حال

## د □ بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی و مسأله تحزب

حاضر این فرهنگ سیاسی سخنی دیگر است. روشن است که صرف وجود آموزه‌های سیاسی سازگار با تحزب کافی برای ایجاد این تحول و ساخت فرهنگ سیاسی مناسب نیست. ساز و کار تحول‌آفرینی در فرهنگ سیاسی مستلزم ورود در حوزه‌هایی است که این پژوهش به دلیل محدودسازی موضوع مورد بحث قصد پرداختن به آنها را ندارد. اما با این وجود، نمی‌توان انکار کرد که آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی می‌تواند به‌عنوان کاتالیزور نقش تعیین‌کننده‌ای در فراهم‌سازی زمینه‌های شکل‌گیری تحزب در ایران ایفا کند و به تکوین جامعه تنوع یافته و نهادینه شده مدنی و نظام سیاسی برآمده از احزاب کمک نماید. در این فرض، با اذعان به این نکته که شکاف‌های اجتماعی حرکت به‌سوی تفرق و تشتت را تشدید می‌کنند، آموزه‌های اسلام شیعی اصول و بنیان‌های حرکت سیاسی سازمان‌یافته‌ای را در قالب احزاب پایه‌گذاری می‌کند که می‌تواند بر جهت‌گیری‌های گریز از مرکزیت فکری و سیاسی واحد فایق آید. بدین ترتیب، می‌توان به‌رغم ناپایداری احزاب سیاسی در تاریخ سیاسی یک صد سال اخیر ایران، رخداد انقلاب اسلامی و ارائه اندیشه‌های راهگشای امام خمینی(س) در حرکت جدید مردم ایران را نویدبخش تشکیل احزاب سیاسی پایدار دانست. به‌طوری که شکاف‌های متعدد و متنوع اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی را با هدف دستیابی به مصلحت همگانی در مسیری درست سازمان داده و مدیریت نماید. بدین‌سان، آموزه‌های منطبق با آرمان تحزب به دلیل فراهم‌سازی فرهنگ سیاسی مورد نیاز، شرط لازم برای سازمان سیاسی حزبی به‌شمار می‌آید، اما روشن است که این آموزه‌ها شرط کافی نیست، زیرا شکاف‌های اجتماعی نیز حوزه مقاومت یا تخریب‌گر به‌شمار می‌آیند. از این رو، نمی‌توان انتظار داشت صرفاً با اصلاح فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی بر اساس آموزه‌های ناب شیعی مسأله تحزب را عینیت‌یافته تلقی کرد، بلکه پیش شرط‌ها یا موانع ساختاری آن نیز از اهمیت اساسی برخوردار است. اما می‌توان از یک منظر دیگر، به رابطه میان آموزه‌ها و این موانع ساختاری پرداخت. و آن اینکه این آموزه‌ها به لحاظ نظری چه برنامه‌ای برای تحول در موانع ساختاری ارائه کرده‌اند؟ در این پژوهش روشن خواهد شد که به‌رغم عدم لزوم پرداختن به ساختارها و شکاف‌های اجتماعی تأثیرگذار بر عدم

## مقدمه □

شکل‌گیری احزاب سیاسی پایدار در جامعه ایران در این پژوهش، اما نمی‌توان از تأثیر این آموزه‌ها بر عدم شکل‌گیری یا شکل‌گیری تحزب در ایران غفلت کرد.

منظور از بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی که در عنوان پژوهش آمده، هم ناظر به رهیافت خاص حضرت امام، یعنی بومی‌سازی توأم با نگاهی عمل‌گرایانه است و هم به سایر رهیافت‌ها توجه دارد. این رهیافت مستلزم نگاه جدیدی به متون دینی است. این نگاه، جدید از یک‌سو، به عدم تعارض آموزه‌های سنتی با مفاهیم دوران جدید حکم می‌کند. و از دگر سو، تلاش دارد تا عمل‌گرایی سیاسی را در خوانش جدیدی از مفاهیم دینی به نمایش بگذارد که مستلزم سازمان‌یابی سیاسی عصری و بهره‌گیری از تجربه بشری است. در سایر رهیافت‌ها نیز خوانش جدید به دو نگاه برون‌دینی و درون‌دینی در ضرورت بهره‌گیری از تحزب رجوع می‌کند. نگاه برون‌دینی به حوزه تعقل بشری اصالت بخشیده و با بهره‌گیری از معرفت‌شناسی دینی، کارکرد خاصی را برای دین ترسیم می‌کند. این امر بدان معناست که در سازماندهی سیاسی و اجتماعی نه تنها ضرورت ندارد تا به متون دینی مراجعه کنیم، بلکه افزون‌تر، این مراجعه ناصواب دانسته می‌شود. اما نگاه درون‌دینی، خوانش جدید خود را از متون دینی بر این پیش فرض استوار می‌سازد که دین در اداره جامعه می‌تواند کارکردی حداکثری را به نمایش بگذارد. در این صورت، ضرورت می‌یابد تا با بررسی این متون روشن گردد که آیا در مقام اثبات نیز، این امکان واقعیت‌یافته و تحزب اثباتاً یا نفیاً مشمول احکام دینی الزام‌آور شده است. دو پاسخ متفاوت به این پرسش سایر رهیافت‌ها را در پذیرش مبنای دینی یا عقلی برای تحزب شکل داده است. روشن است که پاسخ دوم از منظری درون‌دینی و با نگرش به متون دینی به اثبات عدم ورود دین در حوزه سازوکار اداره امور کلان جامعه، و در شمار آن تحزب، می‌پردازد. یعنی پیش از آنکه به عقل بشری در ضرورت تحزب استناد جوید، متون دینی را از پرداختن به این مسأله فارغ می‌داند. در مقابل، نگاه برون‌دینی از آغاز به عقل بشری استناد می‌جست و اصولاً ورود دین و متون دینی را در این عرصه مجاز نمی‌داند. در این فرض، استدلال به این متون نفیاً و اثباتاً نادرست تلقی می‌گردد.

## و □ بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی و مسأله تحزب

نکته مهم در این پژوهش این است که آیا این فرهنگ سیاسی از دوره معاصر و اندیشه‌های مدرن هم تأثیر پذیرفته است؟ و آیا دیدگاه حضرت امام بدون در نظر گرفتن اندیشه‌های جامعه کنونی ارائه شده است؟ آیا اساساً می‌توان این مسائلی را عصری دید و از مباحث روش‌شناسیک زمان و مکانی که امام در فهم مسائل بیان کرده است، بهره گرفت. در این فرض، سخن این است که آیا ضروری است ما تأییدی بالخصوص از متون دینی بر تحزب پیدا کنیم، یا به همین مقدار که در کلیات روشن گردد که اسلام و بزرگان دینی بر حق تعیین سرنوشت همگانی تأکید ورزیده‌اند و از طرفی تحزب بهترین شیوه برای اداره حکومت و تحقق بخشیدن به این حق است، می‌توان تأییدپذیری تحزب را به اثبات رساند. پس یک راه این است که تحزب با تمامی چهارچوب‌ها، اصول، ارزش‌ها، شیوه‌ها و روابط و سازوکارهای درونی و بیرونی با آموزه‌های دینی نسبت‌سنجی شود. و یک راه دیگر این است که اصول اساسی حکمرانی در اسلام را به لحاظ آرمانی مورد توجه قرار دهیم و ببینیم آیا تحزب دستیابی به آن آرمان‌ها را تسهیل می‌بخشد یا بر نمی‌تابد. و البته به دنبال آن، باید روشن نماییم که این آموزه‌ها چه شیوه‌هایی را برای تحول‌آفرینی در فرهنگ سیاسی جامعه شیعی در تحقق بخشیدن به نظام حزبی طرح کرده‌اند. از این منظر، بحث آموزه‌های دینی با مسأله فرهنگ سیاسی اسلام شیعی پیوند می‌خورد. ناگفته نماند که می‌توان اینگونه نیز ادعا کرد که حزب در جامعه شیعی دارای ویژگی‌هایی است که با حزب در جوامع دیگر متفاوت جلوه می‌کند. به‌ویژه آنکه این مسأله را می‌توان در نگاه تعالی‌گرایانه به هر گونه حرکت سیاسی و اقدام برای اصلاحات سیاسی در جامعه مسلمانان می‌توان آشکار ساخت. ضمن اینکه در نگاهی جامعه‌شناختی باید بررسی شود که فرهنگ سیاسی ایرانیان با تحزب و ورود در عرصه سیاست همخوانی نداشته و امام خمینی با ارجاعی که به آموزه‌های اصیل تشیع می‌دهند، این فرهنگ سیاسی را دچار تحول اساسی می‌کنند. بدین ترتیب، در جریان پژوهشی دیگر باید روشن گردد که انقلاب اسلامی تحول در فرهنگ سیاسی جامعه ایران را نیز به ارمغان آورد. این مسأله باید با ارجاع به دلایل متقن تاریخی روشن و مستدل گردد.

ما تنها با مسأله تحزب مواجه نیستیم بلکه در تمام ساختارهای سیاسی کنونی نیز مسأله نوگرایی و امکان تنافی با تفکر سنتی مذهبی وجود دارد. اساساً اگر این ساختارها در نگاهی عصری به مثابه شیوه برتر زندگی جمعی دیده شود و تلاش گردد که آموزه‌ها و ارزش‌های جامعه در درون آن گنجانده شده و لحاظ گردد، می‌توان به عملکرد مثبت و ارزشمند آنها در جامعه نو شده و اصلاح‌شده کنونی امیدوار بود. همین مسأله در رابطه با همه ساختارهای سیاسی مطرح است. آیا می‌توان ادعا کرد که اگر رهبران الگوی آرمانی نظام و جامعه سیاسی شیعی در عصر کنونی حکومت تشکیل می‌دادند، از ساختارهای سنتی متعلق به چهارده قرن پیش بهره می‌گرفتند. همچنان‌که امام بارها اشاره کرده اند که ما از تحولات مثبت دنیای معاصر به‌طور کامل استفاده خواهیم کرد و با آنها سر ناسازگاری و مخالفت نداریم، در مسأله ساختارهای سیاسی نیز اینگونه است و خود معظم‌له نیز پس از پیروزی انقلاب ذره‌ای تردید به خود راه ندادند که باید نظام جمهوری که اتکای به آرای عمومی را به نمایش می‌گذارد، شیوه مورد پذیرش برای انتقال قدرت و تعیین نظام جدید و ارکان آن باشد. بدین لحاظ، مسأله تحزب را می‌توان به مثابه شیوه برتر مورد پذیرش قرار داد. اما آیا افزون بر آن می‌توان ارزشی ذاتی نیز برای آن در نظر گرفت. همچنان‌که در مسأله دموکراسی، دموکراسی روشی و ارزشی مطرح است، آیا در مسأله تحزب نیز به همین ترتیب می‌توان باور داشت که تحزب افزون بر روش برتر در اداره امور جامعه، بهترین انتخاب‌ها را نیز در اختیار ما می‌نهد؟

پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی در دو رویکرد آرمانی و نهادی تحزب و رقابت نهادهای مدنی برای کسب قدرت سیاسی و از این منظر، تحدید قدرت مشروع را بر می‌تابد؟ و در فرضیه اصلی، به دنبال بررسی آن هستیم که آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی در دو رویکرد آرمانی و نهادی به دلیل تأکید بر گزینش شایستگان، نظارت عمومی، پیشگیری از فساد و فراهم‌سازی بستر مناسب برای رقابت سالم بین نخبگان سیاسی تحزب و رقابت نهادهای مدنی برای کسب قدرت سیاسی و از این منظر، تحدید قدرت مشروع را به‌عنوان یک اولویت در سیاست



## ح □ بازخوانی آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی و مسأله تحزب

برمی‌تابد. در مقابل، فرضیه‌های رقیب شامل سه فرضیه زیر است:

### فرضیه رقیب اول

آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی در دو رویکرد آرمانی و نهادی به دلیل امتناع مبانی فقهی و کلامی تحزب، تعارضات اساسی میان مفروضات و بنیان‌های نظری اسلام و تحزب، نقد بنیان‌های فلسفی تحزب و مغایرت با وحدت و همبستگی ملی توأم با مقبولیت همگانی تحزب در دنیای معاصر و لزوم همسوسازی مردم با دولت از طریق مشارکت‌دادن آن‌ها در امور عمومی، تحزب و رقابت نهادهای مدنی برای کسب قدرت سیاسی و از این منظر، تحدید قدرت مشروع را از باب دفع افسد به فاسد برمی‌تابد.

### فرضیه رقیب دوم

آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی در دو رویکرد آرمانی و نهادی به دلیل توجه تام آن به فراگرد درونی تخصیص ارزش‌ها در درون نظام سیاسی، روابط قدرت و ساختار حاکم بر جامعه و تعیین‌کنندگی نظام سیاسی بر نظام اجتماعی تحزب و رقابت نهادهای مدنی برای کسب قدرت سیاسی و از این منظر، تحدید قدرت مشروع را بر نمی‌تابد.

### فرضیه رقیب سوم

آموزه‌های سیاسی اسلام شیعی در دو رویکرد آرمانی و نهادی به دلیل امتناع مبانی فقهی و کلامی تحزب، تعارضات اساسی میان مفروضات و بنیان‌های نظری اسلام و تحزب، نقد بنیان‌های فلسفی تحزب و مغایرت با وحدت و همبستگی ملی تحزب و رقابت نهادهای مدنی برای کسب قدرت سیاسی و از این منظر، تحدید قدرت مشروع را بر نمی‌تابد.

اهمیت و ضرورت پژوهش کنونی را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

بررسی امکان بهره‌گیری از ارزش‌های دینی برای مفاهیم جهان‌نو به‌ویژه تحزب؛ ارائه‌نظرگاه فرهنگ سیاسی اسلام شیعی در دو رویکرد آرمانی و نهادی به مسأله تحزب؛

بررسی تطبیقی ارزش‌های دینی ناظر به مسأله تحزب در صدر اسلام و دوره کنونی با تأکید بر دیدگاه‌های امام علی(ع) و امام خمینی(س):

تحلیل انتقادی ارزش‌های فرهنگی نهادینه شده در برابر تحزب؛  
بومی‌سازی و بیان قابلیت‌ها و نقایص مفاهیم سیاسی بر اساس آموزه‌های دینی؛  
ارائه راهکارهای عملی برای غلبه بر مشکل تشتت و پراکندگی بین نیروهای سیاسی  
وفادار.

هرچند بخش‌های پراکنده پژوهش حاضر توسط برخی از نویسندگان و محققان  
خارجی و داخلی به رشته تألیف درآمده است، اما بداعت این پژوهش، بازسازی  
مفهومی تحزب بر اساس ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه و بیان امتیازات بهره‌گیری  
از این مفهوم ارزشی بومی در شرایط خاص تاریخی کشورمان است. بر این اساس،  
می‌توان موارد زیر را در شمار ویژگی‌های این پژوهش برشمرد:

تلاش برای ارائه تصویری افقی از ساختار اجتماعی - سیاسی آرمانی فرهنگ سیاسی  
شیعه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در آن؛

اولویت بخشیدن به مسأله تحزب و رقابت نهادهای مدنی برای کسب قدرت  
سیاسی در تحدید قدرت سیاسی رهبران جامعه اسلامی؛

مقایسه میان دیدگاه‌های نظری گذشته و کنونی در ارزش‌های دینی الگویی؛  
بررسی مسأله تحزب در فرهنگ سیاسی اسلام شیعی به مثابه یک اولویت در  
سیاست یا از باب دفع افسد به فاسد.

روش این پژوهش توصیفی - تحلیلی و فنون گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده  
که به دلیل ویژگی خاص این پژوهش، یعنی توجه به مسأله نظرگاه آموزه‌های سیاسی  
اسلام شیعی در دو رویکرد آرمانی و نهادی به مسأله تحزب، انتخاب گردیده است.